



بخش آموزش رسانه تفریحی سنتر

کلیک کنید  www.tafrihicenter.ir/edu

 نمونه سوال  گام به گام

 امتحان نهایی  جزوه

 دانلود آزمون های آزمایشی

متوسطه اول : هفتم ... هشتم ... نهم

متوسطه دوم : دهم ... یازدهم ... دوازدهم

www.tafrihicenter.ir

درس یازدهم

یاران عاشق

۱- بیاعاشقی را رعایت کنیم / ز یاران عاشق حکایت کنیم

قلمرو زبانی:

عاشقی را: راه و رسم عاشقی را / یاران عاشق: شهدا، رزمندگان

قلمرو ادبی:

عاشقی: مجاز از راه و روش عاشقی

قلمرو فکری:

بیا راه و رسم عاشقی را رعایت کنیم و یادی کنیم از یاران عاشقی (شهدایی) که دیگر در کنار ما نیستند.

۲- از آنها که خونین سحر کرده اند / سحر بردار خطر کرده اند

قلمرو زبانی:

آنها: شهدا، رزمندگان / مدار: جای دور زدن / مدار خطر کردن: گذشتن از جان و مال / خطر: کار دشوار و مرگ آفرین

قلمرو ادبی:

مصراع اول کنایه از «شهادت» / مصراع دوم کنایه از: خطرات راه را پذیرفتن و گذشتن از جان و مال / مدار خطر: اضافه استعاره:

خطر مانند چیزی است که مدار دارد

قلمرو فکری:

یاران عاشقی که شهید شدند و از جان و مال خود گذشتند (مفهوم: عاشقان آگاهانه جان می بازند. / پایان عاشقی شهادت است).

۳- از آنها که خورشید فریادشان / دید از گوی سحر زادشان

قلمرو زبانی:

آنها: شهدا، رزمندگان / دمید: فعل ماضی ساده

قلمرو ادبی:

تشبیه: خورشید فریادشان (فریادشان مانند خورشید روشنی بخش و گرما بخش است) / استعاره: گوی سحر زاد (گلویشان مانند موجودی است که سحر می زاید) / سحر زاد: کنایه از بیدارگر، حیات بخش / مجاز: «گلو» مجاز از «دهان»

قلمرو فکری:

یاد کنیم از آنهايي که فریادشان چون خورشید روشنی بخش است و از دهانشان، امید و پیروزی طلوع می کند.

۴- چه جانانه چرخ جنون می زند / دف عشق با دست خون می زند

قلمرو زبانی:

جانانه: جان + انه / چرخ جنون: رقص دیوانگی / با دست خون: دست خون آلوده شده / دف: نوعی ساز،

قلمرو ادبی:

تناقض (پارادوکس): ۱- چرخ جنون (رقص هنگام شادی و آگاهی است) ۲- با دست خون آلوده دف زدن. / تشبیه: دف عشق (عشق مانند دفی است که می زند) / کنایه: دف زدن (شادی کردن)

قلمرو فکری:

چقدر عاشقانه و زیبا، دیوانه وار رقص عاشقانه می کنند؛ با دستانی خون آلوده شده به شادی می پردازند.

۵- به رقصی که بی پاوس می کند / چنین نغمه عشق سر می کند:

قلمرو زبانی:

نغمه: آوا / سر می کنند: می سرایند / موقوف المعانی با بیت بعد

قلمرو ادبی :

تناقض (پارادوکس): ۱. بی پا و سر رقص کردن ۲. بی سر نغمه سرودن / تشبیه (نغمه عشق) : عشق مانند نغمه ای است که می سرایند.

قلمرو فکری:

آنانی که ، بی پا و سر ، رقص عاشقانه می کنند و آوازهای شادی سر می دهند. (به استقبال شهادت رفتن)

۶- هلا منکر جان و جانان ما / بزن زخم انکار بر جان ما

قلمرو زبانی :

هلا : آگاه باش / مُنکر: انکار کننده /

قلمرو ادبی :

جان مجاز از وجود/ تشبیه : زخم انکار (انکار مانند زخمی است) / کنایه : زخم انکار زدن کنایه از « سرزنش کردن »

قلمرو فکری:

آگاه باش ای کسی که جان و جانان ما را منکر هستی و ما را سرزنش می کنی...

(ای کسی که وجود عاشق ما و معشوق را درک نکرده ای و نمی پسندی، تا می توانی با انکار عشق و عاشقی زخم بر جان ما بزن!)

۷- بزن زخم، این مرهم عاشق است / که بی زخم مردن، غم عاشق است

قلمرو زبانی :

مرهم : هر دارویی که روی زخم گذارند ، التیام بخش . / بی زخم مردن : مرگ معمولی و طبیعی.

قلمرو ادبی :

استعاره : زخم استعاره از « سرزنش » / تشبیه : زخم مانند مرهم است / پارادوکس : مرهم بودن زخم

قلمرو فکری :

تا می توانید ، با سرزنش های تان بر ما زخم بزنید (برای ما جای نگرانی نیست) ؛ غم عاشق آن است که در راه معشوق جان نسپارد و به مرگ طبیعی بمیرد.

۸- کوسوخت جان من از فرط عشق / خموشی است هان ، اولین شرط عشق

قلمرو زبانی :

سوخت : سوخته شد (از افعالی هست که گاهی نیاز به مفعول دارد و گاهی نیاز به مفعول ندارد) / از قَطر: در نتیجه فراوانی و

بسیاری. / خموشی : ساکت بودن ، دم بر نیاوردن / هان : شبه جمله ، آگاه باش

قلمرو ادبی :

استعاره : جان مانند چیزی است که سوخته می شود / عشق مانند آتشی است که می سوزاند. / سوختن جان: کنایه از رنج بسیار / خموشی: کنایه از سکوت

قلمرو فکری :

مگو : « جانم از شدت عشق سوخته شده است » ؛ بدان که اولین شرط عشق و عاشقی ، سکوت کردن در برابر ناملایمات است.

۹- بیهوش لاله یابی که در باغ ماست / خموشند و فریادشان تا خداست

قلمرو زبانی :

لاله : شهید ، ایثارگر / باغ: جامعه ، سرزمین

قلمرو ادبی:

و خدايي که در اين نزدیکی است / لای این شب بوی پای آن کج بلند...

احمد رمضان زاده

استعاره : لاله (شهید) - باغ (سرزمین، وطن) / تناقض (پارادوکس) : خموشند و فریادشان تا خداست / تناسب: لاله ، باغ / خاموشی و فریاد لاله ها: تشخیص

قلمرو فکری :

این لاله هایی (شهدا) که در سرزمین ما هستند را با دقت نگاه کن که چگونه ساکت هستند و فریاد سکوت شان تا عرش بالا می رود. (این بیت تأکید و مصداقی برای بیت قبل است)

۱۰- بیا با گل لاله بیعت کنیم که آلاله ها را حمایت کنیم

قلمرو زبانی :

لاله / آلاله : شقایق ، لاله نعمانی

قلمرو ادبی :

استعاره : لاله و آلاله استعاره از شهدا / تشخیص: بیعت با لاله ، حمایت از آلاله.

قلمرو فکری :

بیا دوباره با گل های لاله بیعت کنیم و از شقایق دو باره حمایت کنیم. (برماست که با شهیدان عهدی ببندیم که از ثمرات خونشان صیانت کنیم)

هم صدا با حلق اسماعیل ، سید حسن حسینی

کارگاه متن پژوهی

قلمرو زبانی

۱- معادل معنایی واژه های زیر را بنویسید

انکارکننده

عمادی شهریاری

دشمن آیینی باشد روی زرد

مُنکِر آیینی باشد چشم کور

جای دور زدن و گردیدن

مسعود سعد سلمان

جز بر ارادت تو مسیر و مدار نیست

۲- همان طور که می دانید ، صفت بیانی ، برای توضیح و وصف یک واژه به کار می رود. واژه ای که وصف می شود ، موصوف نام دارد.

مثال: کتب خواننی موصوف صفت

* به پر کاربرد ترين صفت هاي بياني توجه کنيد:

- (۱) مطلق: پاک ، خوشحال ، خطرناک (جوان پاک ، دانش آموز خوشحال ، روش خطرناک)
- (۲) فاعلي
- بن مضارع + نده: سازنده (انتقاد سازنده) درخشنده (چهره درخشنده)
- بن مضارع + ا: گويا (کتاب گويا) کوشا (جوان کوشا)
- بن مضارع + ان: خندان (دانش آموز خندان) تابان (خورشيد تابان)
- بن ماضي / بن مضارع + گار: آفريدگار ، آموزگار (خداوند آفريدگار، انسان آموزگار)
- بن ماضي + ار: خريدار (شخص خريدار) خواستار (انسان خواستار)
- اسم / بن / صفت + گر : زرگر (مرد زرگر) توانگر (انسان توانگر) روشنگر (مطلب روشنگر)
- اسم / صفت + بن مضارع : خداشناس (فيلسوف خداشناس) راستگو (پدر راستگو)
- (۳) مفعولي: بن ماضي + ه / ه (=) پرورده (متن پرورده « متن پرورده شده » شکفته (گل شکفته)
- (۴) لياقت : مصدر + ي : نوشيدني

- (۵) نسبي
- اسم + ي : آسماني (کتاب آسماني)
- اسم + ين : زرّين (گردن بند زرّين)
- اسم + ينه: سيمينه (گلدان سيمينه)
- اسم + اني : روحاني (مرد روحاني)
- اسم + انه : (سخن کودکانه)

* اکنون مانند نمونه جدول را کامل کنيد:

فعل	بن مضارع	صفت فاعلي	صفت لياقت	صفت مفعولي
نوشت	نويس	نويسنده	نوشتني	نوشته
خواندم	خوان	خواننده	خواندني	خوانده

قلمرو ادبي

۱- از متن درس ، براي هر آرايه ادبي نمونه اي مناسب بياييد و بنويسيد:

تشبيه : (وف عشق) متناقض نما: (خموشند و فريادشان تا خدا است)

۲- شعر « ياران عاشق » را از نظر قالب و مضمون ، با شعر « زاغ و کبک » مقايسه کنيد.

قلمرو فکري

۱- در بيت سوم ، مقصود از ياران عاشق ، چه کساني است و به کدام ويژگي آنها اشاره شده است؟

شهادت ايشان را که فريادشان مثل خورشيد روشني بخش است / پسيده سحر و پيروزي از گوي شان مي در

۲- در بيت آخر ، بر کدام يک از ارزش هاي انقلاب اسلامي تاکيد شده است؟ بيت دوباره با شهادت و آلمان هاي انقلاب

۳- نخست ، مفهوم کلي بيت هاي زير را بنويسيد ؛ سپس براي هر يک ، بيتي متناسب از متن درس بياييد.

الف) اي مرغ سحر ، عشق ز پروانه بياموز کان سوخته را جان شد و آواز نيامد سعدی

اي انساني که ادعای عاشقي مي کني ؛ عشق حقيقي را از پروانه ياد بگير ، که جانش را از دست داد اما فريادي نکشيد . (سکوت کردن در برابر سختي هاي عشق)

مکسوخت جان من از فرط عشق خموشي است مان ، اولين شرط عشق

ب) چه از تير و چه از تيغ ، شما روی نتاييد که در جوشن عشقيد ، که از کرب و بلاييد . حميد سبزواري

روی تاييدن : روی برگردانيدن / جوشن : زده / تشيه : عشق مانند جوشني است . / تلج : بر واقع کر بلا (همچگاه از عشق روی بر نمي تاييد)

حلا منکر جان و جانان ما بزن زخم ه انکار بر جان ما

از چنبر نقش، رسته بودند آنها / بت ها همه را سگته بودند آنها
پرواز شدند و پرکشودند به عرش / هر چند که دست بسته بودند آنها

مصطفی محدثی خراسانی

قلمرو زبانی:

چنبر: حلقه، دایره / رسته: رها شده (بن مضارع: ره) / بت ها همه را: همه بت ها را: «را» نشانهٔ نفعول است / عرش: آسمان

قلمرو ادبی:

کنایه: «از چنبر نقش رستن» کنایه از «ترک تعلقات مادی» / استعاره: چنبر نقش «نقش مانند موجودی است که چنبر می زند» / «بت ها» استعاره است از «تعلقات مادی» / تناقض (پارادوکس): دست بسته پرگشودن / واج آرای: ش

قلمرو فکری:

این رباعی در ستایش شهدای غواص سروده شده است.

شهدا همهٔ تعلقات و دلبستگی ها را کنار زده بودند با وجود این که دست بسته بودند به سوی آسمان ها پرواز کردند.

شعر خواني

صبح بي تو

شعر در باره امام زمان (عج) است

۱- صبح بي تو رنگ بعد از ظهر يک آيينه دارد / بي تو حتي مهرباني حالي از کينه دارد

قلمرو زباني :

تو : امام زمان (عج) / آيينه : جمعه / حالي : مفعول

قلمرو ادبي :

تضاد : صبح ، بعد از ظهر / تشخيص : مهرباني حالت کينه داشته باشد /

قلمرو فکري :

يا امام زمان ، صبح بدون تو مانند بعد از ظهر جمعه ها غم آلود است. بدون حضور تو، حتي مهرباني چيزي جز کينه و نفرت ندارد.

۲- بي تو مي کيند تعطيل است کار عشقازاي عشق اناکي خبر از شنبه و آيينه دارد

قلمرو ادبي :

تشخيص: عشق خبر از چيزي داشته باشد / مراعات نظير : تعطيل ، جمعه - شنبه ، جمعه / تضاد : شنبه ، جمعه

قلمرو فکري :

يا امام زمان ، مي گويند بدون تو ، کار عشق و عاشقي تعطيل است اما عشق به زمان کاري ندارد.

۳- جند برويرانه مي خواند به انکار تو اما / خاک اين ويرانه ها بوي از آن گنجه دارد

قلمرو زباني :

گنجينه : مال بسيار ، گنج

قلمرو ادبي :

استعاره : انکار کنندگان وجود امام زمان / تلميح : به اعتقاد قدما ، جغد در ويرانه هاي که گنج پنهان دارد ، زندگي مي کند / مراعات نظير : جغد ، ويرانه ، خاک ، گنجينه / تشخيص : جغد به انکار بخواند - / کنايه : « بوي چيزي را داشتن » کنايه از « نشان چيزي را داشتن » /

قلمرو فکري :

انکار کنندگان، وجود تو را انکار مي کنند؛ اما خاک اين زمين که بدون حضور تو مثل ويرانه اي است ، نشانه هاي تو را آشکارا دارد.

۴- خواستم از رنجش دوري بگويم ، يادم آمد / عشق با آزار خوشاوندی ديرينه دارد

قلمرو زباني :

ديرينه : قديمي (دير + ينه = وندی)

قلمرو ادبي :

تشخيص: عشق با آزار خوشاوندی داشته باشد / مراعات نظير: رنجش ، آزار /

قلمرو فکري :

مي خواستم رنجش هاي دوران دوري تو را بگويم اما يادم آمد که عشق با آزار نسبتی بسيار قديمي دارند. (دوري را بايد تحمل کرد)

و خدايي که در اين نزديکي است / لای اين شب بوی پای آن کج بلند...

احمد رمضان زاده

۵- در هوای عاشقان پرمی کشد بانی قراری آن کبوتر چاهی زخمی که او در سینه دارد

قلمرو زبانی :

کبوتر چاهی : نوعی کبوتر به رنگ خاکستری سیر که امروزه معمولاً در اماکن متبرکه زندگی می کنند. /

قلمرو ادبی :

استعاره : کبوتر چاهی استعاره از امام زمان (عج)

قلمرو فکری :

عاشقانت منتظر ظهور تو هستند ؛ تو هم بی صبرانه منتظر آمدن هستی (باید به فرمان خدا بیاید)

۶- ناهنسان قفل بزرگ تیرگی را می کشاید آنکه در دستش کلید شهر پر آینه دارد

قلمرو ادبی :

تشبیه : قفل تیرگی (تیرگی = مشبه ، قفل : مشبه به) ، (می تواند استعاره هم باشد « تیرگی مانند خانه ای است که قفل دارد /

استعاره : شهر پر آینه استعاره از جامعه آرمانی /

قلمرو فکری :

روزی به فرمان خداوند ، با آمدن خود ، تیرگی ها را از بین خواهد برد. و ما را به آرمان شهر خواهد رساند.

قیصر امین پور

درک و دریافت

۱- در خوانش این سروده ، به چه نکاتی باید توجه کنیم؟

حسن شعر و مکث و دنگ واژه ها و جملات

۲- « انتظار موعود » یکی از مایه های ادبیات انقلاب اسلامی است ؛ بر این مبنا ، متن شعر خوانی را بررسی کنید.